گذری بر چهار فتنه یاد شده درسوره الکهف..

۱-فتنه در دین: جوانانی که به خاطر دین و ایمان خودشان به غاری پناهنده شدند و فرار کردند و راهکارهایی برای حفظ ایمان و دین و اهمیت آن..

بدون تردید الله متعال راه نجات را برای ایشان دوری از محل فتنه مقدر نمود. چنانچه در قرآن کریم می فرمایند: **وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنشُرْ لَكُمْ رَبُّكُم مِّن رَّحمته ويُهَيِّئْ لَكُم مِّنْ أَمْرِكُم مِّرْفَقًا** (۱۶)

ترجمه: هنگامی که از آنها و از آنچه که جز الله می پرستیدند کناره گرفتید پس به غار پناه بردید تا پروردگارتان از رحمتش بر شما بگستراند و برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد.

لذا در چنین شرایطی عملی کردن مفهوم هجرت از شهر یا از اشخاصی که حاملان فتنه هستند لازم است.

۲-فتنه در اموال: قصه باغبانان و تجارت و زراعت آنها و راهکارهای با برکت شدن مال و پیشگیری از نابودی آن..

داستان دوشخصی که یکی از آنان صاحب دارایی بیشتری بود و گمان می کرد باغی که دارد همیشه باقی خواهد ماند. دیگری او را متذکر شد که اموال دنیا فانی است و از خدا بترس. بار دیگر می بینیم که شخصی به مال خود مغرور گشت و علمش برایش مفید واقع نشد و تنها راه نجات برای اهل علم دوری از جاهلان بود. مانند بسیاری از شرکت ها و کشورهایی که امروزه به مال خود شیفته گشته اند. در تمامی این مواقف

راه نجات تنها برای کسی است که محبوب الله باشد زیرا نصرت به دست الله است هرچند آن محبوب دچار سختی شود اما چون تصرفات الله پیشامد نیکی دارد نتیجه از آن مومنین است. چنان چه در داستان موسی و خضر می بینیم که ظاهر رفتار خضر شر است اما حقیقت امر این است که پیشامد نیکی را به همراه دارد لذا هیچگاه، شر به الله نسبت داده نمیشود.

۳- فتنه علم: قصه پیامبر موسی و خضر علیهما السلام و بحث طلب علم و سؤال علماء و رجوع به آنان و سفر برای کسب آن و مباحثی از عقیده و تاثیر آن در دین و ایمان... که بیشتر انحرافات جوانان در فهم و ضبط این مورد است..

می بینیم ممکن است شخصی به علم و حافظه و قدرت ذکاوت خویش مغرور گردد... خصوصا طلبه های علم شرعی که نزد بزرگان درس می خوانند و عاقبت غرورشان خود بزرگ بینی و طعن وارد ساختن در بزرگان علما می شود. آگاه باشید که خداوند پیامبر خویش موسی علیه السلام را متذکر می شود که آگاه تر از تو نیز وجود دارد چنان چه الله متعال میفرمایند: (وفَوْقَ كُلِّ ذِی عِلْمٍ عَلِيم).

بسیاری از طلاب علم طرف مقابل خود را به دلیل غرور علمی که دارند، تحقیر می کنند. در اینجا می بینیم علم نیز مانند مال منجر به غرور، عجب و خویش بینی مطلق می شود. و تنها راه مداوای این خصلت تواضع و فروتنی می باشد.

۴- فتنه قدرت و حکمرانی: قصه ذو القرنین به عنوان یک حاکم عادل و نوع بر خورد با رعیت و مردم و حقوق سیاسی و شرعی آنان..

این قسمت بحث از حکمرانی و قدرت است. یک حاکم هرچقدر صاحب قدرت شود نباید از رعیت خویش غافل گردد بلکه باید: (۱) به حال آنان رسیدگی کند و در میان رعیت و مردم با مشاهده عینی احوال زندگی ایشان از نزدیک سرکشی کند و (۲) با فساد و آشوبگری که امنیت مردم را به خطر می اندازد مبارزه کند. و (۳) به زیر ساخت شهرها و ایجاد راه و مدرسه و اسباب تعلیم و بیمارستان و ساخت منزل و سرپناه به محتاجان اهمیت دهد و (۴) از آنان در پیشبرد اهداف خویش کمک گیرد. چنانچه می بینیم ذوالقرنین برای درست کردن سد از آن قوم کمگ می گیرد. این یعنی دید، حاکم باید به زیر دستانش مشغول باشد نه به قدرت و جاه و مقام خویش...

آنچه ذکر شد مختصری بود از چهار فتنه مذکور در سوره مبارکه کهف و راه های درمانی آن.

و خلاصه این سوره گذری بر ۴ مرحله متفاوت زندگی رسول الله ﷺ است:

۱-نمونه ای بارز از یک جوان امین و صالح که کار خود را با چوپانی از ابتدای نشأتش شروع کرده است.

۲- سپس تاجری شریف که برای کسب مال حلال تلاش نموده و حق آن مال را ادا کرده است و در آخرین حج خود ۱۰۰ عدد شتر قربانی می کند...

۳- سپس پیامبری عالم و معلم که در دعوتش موفق و تأثیر گذار بوده است...

۴- در انتها حاکمی عادل و صبور و حکیم و بردبار در مقابل دوست و دشمن، که مثال های فراوانی از ویژگی های یک حاکم عادل و نوع بر خورد با رعیت و مردم و همچین مردم با وی در سیرتش نهفته است..

نوشته: د. صلاح الدین جوهری

منبع: برگرفته از صفحه فیسبوک دکتر صلاح الدین جوهری